

بسمه تعالی

پرتوی از اندیشه‌های راهبردی حضرت امام علی (ع)

در مدیریت و راهبری جامعه اسلامی

(ذکر چند نمونه از نهج البلاغه)

به مناسبت حلول ماه مبارک رمضان

نویسنده: دکتر حبیب‌اله فتاحی اردکانی

نهج البلاغه منظومه شیوایی و رسایی، راهبرد راستی و طریق بندگی و مسیر رستگاری است که فرزند راستین حضرت ابوطالب برای هدایت و راهبری بشر به قله‌های تعالی و کمال ترسیم نموده است. «بیانی رساتر از هر بیانی» که به قول جرج جرداق^۱ دانشمند مسیحی لبنانی «بشر در قبال آن چیزی به مثابه موجودی است در برابر سیل خروشان» کلامی که به حق آن را «فروتر از کلام خداوند و فراتر از گفتار بشر» خوانده‌اند. باید گفت به درستی امام علی (ع)^۲ امیر ماندگار سخن و منشاء ریشه‌دارترین اندیشه‌ها و چشمه‌سار زاینده خوبی‌ها و نیکی‌هاست آن گونه که خود در بیانی فرموده است «انا امراء الکلام و فینا تنشبت عروقه و علینا تهدلت غصونه»

امام شافعی^۳ یکی از رؤسای فرق ۴ گانه اهل سنت در وصف آن حضرت این چنین سروده است:

لوان المرتضیٰ عبدا محله لخر الناس مطراً سجداً له
و مات الشافعی و لیس یدری علی (ع) ربه ام ربه الله

ابن ابی الحدید^۴ عالم بزرگ اهل سنت امام علی (ع) را در فضیلت «رئیس همه فضیلت‌ها» نامیده است. کسی که به گفته عبدالفتاح عبدالمقصود^۵ دانشمند اهل سنت مصری «مجسمه‌ای از کمال است که در قالب بشریت ریخته شده است».

شبل شمل^۶ از پیش‌تازان مکتب مادیگری می‌گوید «علی (ع) یگانه نسخه‌ای است که نه شرق و نه غرب نه در گذشته و نه در امروز صورتی مطابق این نسخه ندیده است» و جبران خلیل جبران^۷ متفکر مسیحی عرب اقرار می‌کند «فرزند ابوطالب نخستین عرب بود که باروح کلی رابطه برقرار نمود و او اولین شخصیت عرب بود که لبانش نغمه روح کلی را در گوش مردمی طنین‌انداز نمود که پیش از او نشنیده بودند»

دریای فضایل و کمالات علی (ع) بی‌کران و ساحل سخنانش موج‌خیز تر از کرانه‌های عالم هستی است، لذا امروز بیش از همیشه در دنیای مادیت و بربریت مدرن سخنان او قابل فهم است، آن گونه که ابن عباس^۸ از افسوس و اندوهش در غربت سخنان علی (ع) این گونه دم می‌زند که «من در زندگی از چیزی افسوس نخوردم و اندوهگین نشدم جز آنکه بر بریده شدن سخن امیر المؤمنین افسوس خوردم و اندوهگین شدم».

نقل است که محمد ابن ابی بکر فرماندار مصر بسیار به نامه‌های امام توجه نشان می‌داد و آن را گرامی می‌داشت تا اینکه با هجوم عمر و عاص به مصر به شهادت رسید، پس از آن نامه‌ها به دست معاویه افتاد و به شام انتقال داد و

۱- دشتی - محمد - ترجمه نهج البلاغه. چاپ الهادی سال ۱۳۸۵ - صفحه ۳۱

۲- همان - صفحه ۳۵

۳- فاضل - جواد - ترجمه نهج البلاغه - مقدمه

۴- دشتی - محمد - ترجمه نهج ابلاغه - چاپ الهادی - سال ۱۳۸۵ - صفحه ۲۳

۵- همان - مقدمه

۶- جعفری - محمد تقی - ترجمه نهج البلاغه - دفتر نشر و فرهنگ اسلامی - صفحه ۲۰

۷- همان - صفحه ۲۰

۸- دشتی - محمد - ترجمه نهج ابلاغه - چاپ الهادی - سال ۱۳۸۵ - صفحه ۲۰

آن‌ها را حفظ کرد. ولید بن عقبه به معاویه پیشنهاد داد آن‌ها را بسوزاند که معاویه در جواب او گفت وای بر تو، آیا چنین دستورالعمل‌های علمی و ارزشمند را باید سوزاند؟! لذا این نامه‌ها در خزانه بنی امیه سال‌ها باقی ماند تا این‌که در دوران حکومت عمر بن عبدالعزیز به دانشمندان عرضه کرد.

نهج‌البلاغه بحر بیکران رفتار و اندیشه‌های مردی است که دنیای تفکر و تعقل را به تحیر واداشته است. اندیشه‌هایی که جنبه‌های گوناگون زندگی مادی و معنوی انسان را در بر می‌گیرد. با این حال حکمت‌ها و اندرزهای آن حضرت در عالم مدیریت و راهبری جامعه، خود حدیث دیگری است. امام علی (ع)، آن‌گونه که در خطبه ۵ آمده و خود فرموده است هیچ‌گاه «از مسائل سیاسی و مدیریت کشور غافل نبوده است» جنبه‌های گوناگون اندیشه مدیریتی و معیارها و الگوهای رفتار سیاسی، اجتماعی حضرت را می‌توان در نهج‌البلاغه مشاهده کرد. درمجموع خطبه‌ها - نامه‌ها - حکمت‌های مطرح‌شده از سوی امام ۱۵۰۰ عنوان و ۷۴ رشته تخصصی را شامل می‌شود.

حضرت امام علی (ع) درمجموع به ۴ دسته از افراد و شخصیت‌ها در زمان خود نامه نوشته است که این افراد عبارتند از:

۱ - کارگزاران و استانداران.

۲ - فرماندهان.

۳ - یاران و خانواده.

۴ - مخالفان و دشمنان.

پرداختن به حکمت‌های ارزنده مدیریت و رهبری امام در این عصر و روزگار غنیمتی بس گران بهاست، در اینجا بیشتر از جنبه اخلاق و رفتار سیاستمداران و کارگزاران نظام با انتخاب بخشی از سخنان امام، تلاش شده با اقتضائات و وضعیت امروز جامعه تطبیق داده شود. این موارد که حکمت‌های الهی (۳۲ مورد) در قالب مدیریت اسلامی است روشن‌کننده مسیر درست راهبری و مدیریت در زمانه‌ای است که در اوج فناوری و پیشرفت هم چنان از معنویت و راستی دورمانده است و امروز باید نشان آن را در کلام علی (ع) گرفت.

مکتب اسلام که با جامعیت و کلان‌نگری همه ابعاد زندگی را مورد توجه قرار داده است، در بحث مدیریت و راهبری نیز دارای الگوهای واقعی و جهان شمولست. در این میان اندیشه‌های امام علی (ع) بحر وسیع و بی‌کران سازوکارهای مدیریت در افق‌های کلان و راهبردی است. در مباحث مختلف مدیریت اسلامی نامه‌ها و بیانات آن حضرت به‌عنوان الگوهای مهم موردتوجه قرار می‌گیرد. از نکات مهم تازگی، نوآوری، فراتر از زمان و مکان بودن مباحث امام است که امروز از جنبه‌های مدیریت علمی نیز در مراکز دانشگاهی داخل و خارج موردتوجه قرار گرفته است. علاوه بر انطباق

اندیشه‌های امام با الگوهای مدیریتی روز دنیا بدایت و نوآوری‌هایی در آن وجود دارد که امروزه نیز در محیط‌های مختلف مورد توجه و عمل قرار گرفته است.

این موضوعات در ۴ محور اصلی به صورت زیر خلاصه می‌شود:

۱ - الگوهای علوی برای راهبری و مدیریت جامعه.

۲ - توصیه‌های اخلاقی و رفتاری به کارگزاران.

۳ - وظایف و مسئولیت‌های مدیران و کارگزاران.

۴ - راهبردهای نظامی، سیاسی.

که موارد فوق به شکل موجز همراه با تحلیل‌هایی قابل استفاده بیان می‌شود.

این مقاله فرصتی است برای بازخوانی و تفکر و نگاه و نگرش دیگر به سخنان مردی که دنیای سیاست و صحنه بین‌الملل امروز بیش از گذشته در انتظار راهبری‌ها و رهنمودهایش به انتظار نشسته و حکمت و عدالت علوی را می‌پوید و می‌جوید، امیدمی رود ضمن بهره‌برداری، مورد توجه ارباب نقد و اندیشه در مبحث مدیریت اسلامی قرار گرفته و سایر اساتید و بزرگان اندیشه در تعمیق و تکمیل آن بکوشند.

الف الگوهای علوی برای راهبری و مدیریت جامعه

۱ - ویژگی‌های مالک اشتر

در نامه به مردم مصر^۱

فقد بعث اليكم عبدا من عبادة الله لا ينال ايام الخوف و لا ينكل عن الاعداد ساعات الروع اشد على الفجار من حريق النار و هو مالک.

من بنده ای از بندگان خدا را به سوی شما فرستادم که در روزهای وحشت نمی‌خوابد، در لحظه‌های ترس از دشمن روی نمی‌گرداند و بر بدکاران از شعله‌های آتش تندتر است او مالک است.

مالک اشتر یکی از قله‌های توانمندی و مدیریت حاصل از اندیشه ناب اسلامی و تربیت امام در میان اصحاب است. مرد کارآزموده حوادث و جنگ‌ها و صحنه‌های خوف و خطر که نه‌راسیدن و تدبیر را از علی (ع) آموخته بود. کمتر کسی بسان مالک در میان یاران و کارگزاران آن حضرت به مقاومت و دشمن‌ستیزی و درهم کوبندگی مشهور گشته است و این به خاطر ویژگی‌های منحصر به فردی است که برخی از آن‌ها در لابه لای نامه‌های آن حضرت بیان شده است. هنوز هم نامه امام به مالک تحت عنوان فرمان مالک اشتر یکی از متن‌های محکم و استوار و سرشار از اصول و حکمت‌های سیاسی و مدیریتی است. ویژگی‌هایی همچون تدبیر، شجاعت، مقاومت، ایستادگی در مقابل مطامع دشمن و در عین حال تقوا، تواضع، فروتنی، خیرخواهی، مردم‌گرایی در مقابل افراد جامعه که از علی (ع) آموخته بود موجب

۱- دشتی - محمد - ترجمه نهج البلاغه - انتشارات پیام عدالت - سال ۱۳۸۵ - نامه ۳۸ - صفحه ۵۲۹

شد که علی (ع) در بیان شخصیت او بگوید؛ مالک و ما المالك این بیانگر عمق شناخت امام از مالک بود و او همچنان یک الگوی شاخص و منحصر به فرد در زمامداری و مدیریت علوی است که همواره می‌تواند راهگشا باشد.

۲ - دلجویی پس از عزل

در نامه به محمد ابن ابی بکر^۱

فقد بلغنی موجدنک من تسريح الاشر الی عملک و انی لم افعل ذلک استبطاء لک فی الجهد و لا ازدياداً لک فی الجّد و لو نزعنا ما تحت یدک من سلطانک لو لیتک ما هوا یسر علی کمووتة و اعجب الیک و لایة ان الرّجل الذی کنت و لیتة امر مصرکان رجلاً لنا ناصیاً و علی عدونا شدیداً نا قمّا.

به من خبر دادند که از فرستادن اشر به محل فرمانداری ناراحت شدی. این کار به دلیل کند شدن و سهل انگاری یا انتظار کوشش بیشتری از تو انجام ندادم. اگر تو را از فرمانداری مصر عزل کردم. فرماندار جایی قرار دادم که اداره آنجا بر تو آسان‌تر و حکومت تو در آن سامان خوش‌تر است. همانا مردی را فرماندار مصر قرار دادم که نسبت به ما خیر خواه و به دشمنان ما سخت‌گیر و درهم کوبنده بود.

مالک اشر و محمد ابن ابی بکر هر دو از یاران نزدیک و بازوان سیاسی، نظامی امام علی (ع) در دوران زمامداری و حکومت بودند، اما اهمیت سرزمین و مردم مصر ایجاب می‌کرد که فردی چون مالک که از تدبیر و قدرت بالایی برخوردار بود برای سروسامان دادن اموری که جوانی چون محمد ابن ابوبکر یارای آن را نداشت جای او قرار گیرد. لذا امام ضمن دادن اطمینان خاطر و برشمردن علت این تصمیم به لحاظ اهمیت کشور مصر و از سویی شخصیت و جایگاه مالک در مقابله با دشمنان، او را رهسپار مصر می‌نماید که این کار به نوعی بیانگر ویژگی و ارزش‌های هر دو یار امام است. گر چه دشمنان علی (ع) سفر مالک را نیمه‌تمام گذاشتند و محمد ابن ابی بکر را به طرز فجیعی کشتند، اما شناخت موقعیت‌ها و چرخش مدیریت شاخصی بود که همواره در عزل و نصب‌های امام رعایت می‌شد، (و تلک الایام نداولها بین الناس -آل عمران، ۱۴۰) موضوعی که امروز به عنوان تناسب بین اختیارات و مسئولیت محوله در اصول ۱۴ گانه مدیریت علمی مطرح گشته است. با این حال امام همواره قدر قیمت مدیران توانمند و خدوم خود را دانسته و در عین جابه‌جایی و تغییر محل خدمت، آنان را در جایگاه‌های شایسته برای خدمت قرار می‌داد.

۳ - معیارهای انتخاب کارگزاران اجرایی^۲

ثم انظر فی امور عمالک فاستعملهم اختباراً و لا تولّهم محابة و اقوی فانهما جماع من شعب الجور و الخیانة و توخ منهم اهل التجرّ به و الحیاء من اهل البیوتات الصّالحة و القدم فی الاسلام المتقدّمه فانهم اکرم اخلاقاً واضح اعراضاً.

۱- همان - نامه ۳۴ - صفحه ۵۲۵

۲- نامه ۵۳ - صفحه ۵۵۹

در امور کارمندانت بیاندیش و پس از آزمایش به کارشان گمار و با میل شخصی و بدون مشورت با دیگران آنان را به کارهای مختلف وادار نکن زیرا نوعی ستمگری و خیانت است. کارگزاران دولتی را از میان مردمی با تجربه و باحیا از خاندانی پاکیزه و باتقوا که در مسلمانی سابقه درخشانی دارند انتخاب کن، زیرا اخلاق آنان گرامی تر و آبرویشان محفوظ تر است.

آزمودن و تجربه کردن افراد جهت مدیریت از طریق مشورت با دیگران در کنار مردمی بودن - حیا و تقوا - سابقه درخشان و برخورداری از اخلاق معیارهای انتخاب علی (ع) در تعیین افراد به عنوان کارگزاران حکومت است و نگاه توأمان به تخصص و تعهد با تأکید بر ارزش های اصیل اسلامی در فرمان امام مشهود است. در نظامات اداری و استخدامی امروزه بیشتر بر تخصص و رقابت علمی و مهارت توجه و تأکید می شود ضمن اینکه مراحل گزینش افراد برای صلاحیت های عمومی به ویژه در جمهوری اسلامی با بهره گیری از مقررات اداری و مبانی مدیریت اسلامی طی می شود؛ اما معلوم است که در نگاه علی (ع) علاوه بر تأکید بر آزمون و تجربه (لیاقت - کاردانی - آموزش فنی - دانش اندوزی) مسائل اخلاقی و تعهد (اصالت خانوادگی - جایگاه اجتماعی - منزلت انسانی - تقوای اسلامی) توسل به مشورت بدون دخالت میل شخصی در انتصاب افراد مهم بوده و هر دو وجه تخصص و تجربه را در بر می گرفته است. در نظامات اداری و استخدامی امروزه پس از ماشینی شدن امور و راه اندازی سیستم های مجازی و تغییرات ساختاری ادارات و سازمان ها به ویژه در سایر کشورها دیگر بحث تعهد مطرح نیست و فقط هرکسی طبق مقررات انتظامی و اداری در صورت تخلف جوابگوی اقدامات خود است و به ترک فعل ها و اصل پاسخگویی مقام مسئول هم عموماً توجهی نمی شود.

۴- معرفی الگوی ساده زیستی کارگزاران

در نامه به عثمان ابن حنیف فرماندار بصره^۱

أَلَا وَ إِنَّ لِكُلِّ مَأْمُومٍ إِمَامًا يَقْتَدِي بِهِ وَ يَسْتَضِيءُ بِنُورِ عِلْمِهِ؛ أَلَا وَ إِنَّ إِمَامَكُمْ قَدْ اكْتَفَى مِنْ دُنْيَاهُ بِطِمَرِيهِ وَ مِنْ طُعْمِهِ بِقُرْصِيهِ؛ أَلَا وَ إِنَّكُمْ لَا تَقْدِرُونَ عَلَى ذَلِكَ، وَ لَكِنْ أَعِينُونِي بِوَرَعٍ

آگاه باش هر پیروی را امامی است که از او تبعیت می کند و از نور دانشش روشنی می گیرد . آگاه باش شما از دنیای خود به دو جامه فرسوده و دو قرص نان رضایت داده است . بدانید که شما توانایی چنین کاری را ندارید اما با پرهیزکاری و تلاش فراوان و پاکدامنی و راستی مرا یاری دهید.

در مکتب علی (ع) ساده زیستی کارگزاران یک اصل است چرا که غرور قدرت، آفات اخلاقی و فساد مالی به خاطر دنیا طلبی افرادی است که میدان مقدس خدمت را به زر و زور و تزویر آلوده می کنند و با آزمندی و زیاده خواهی به صورتی من غیر حق، حکومت ها و دولت ها را به چالش بی کفایتی و ناکارآمدی متهم می نمایند و زمینه های تزلزل و سقوط دولت ها را فراهم می نمایند. در فرهنگ امام، مدیر همانند محور و میخ آسیاب باید ساکن، استوار و محکم باشد تا تشکیلات به درستی حول محور آن طی طریق کند (خطبه ۳) همان چیزی که امروز از آن

به اصل وحدت مدیریت عنوان شده است. امام در این زمینه زندگانی ساده خود را برای مدیران حکومت مثال می‌زند که گر چه چنین جایگاهی برای عموم افراد دست‌نیافتنی و حتی در میان اوصیاء و اولیاء منحصر به فرد است. با این حال داعیه پیروی از آن حضرت افراد را تا حدودی در مسیر خواسته‌های مشروع و حلال نفسانی محفوظ می‌دارد. چرا که گفته‌اند الناس علی دین ملوکهم.

(ب) توصیه‌های اخلاقی و رفتاری به کارگزاران

۱ - نحوه تعامل با مردم

در نامه به مالک اشتر^۱

وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لَهُمْ وَاللُّطْفَ بِهِمْ، وَ لَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سُبْعًا ضَارِيًا تَغْتَنِمُ أَكْلَهُمْ، فَإِنَّهُمْ صِنْفَانِ: إِمَّا أَخٌ لَكَ فِي الدِّينِ وَإِمَّا نَظِيرٌ لَكَ فِي الْخُلُقِ

مهربانی با مردم را پوشش دل خود قرار داد و با همه دوست و مهربان باشد. مبدا هرگز چونان حیوان شکاری باشی که خوردن آنان را غنیمت دانی زیرا مردم دو دسته‌اند. دسته‌ای برادر دینی تو و دسته دیگر همانند تو در آفرینش‌اند.

در قرآن به صراحت بر دوست نداشتن افراد مغرور و خودستا از سوی خداوند تأکید شده است. (ان الله لا يحب كل مختال فخور، ابنیاء - ۱۰۷) مهرورزی با انسان‌ها از هر تیره و طایفه‌ای که باشند جدای از فرهنگ‌ها و ارزش‌های مادی و معنوی در نگاه امام یک شاخص است، نقطه مقابل آن همان چیزی است که امروزه به عنوان نژادپرستی Apartheid/Racism و خود برتر بینی Elitism مطرح است.

این نگاه امام در جهان امروز معرف ایسم‌های سیاسی همچون همه برادری ملت‌ها Cosmopolotitanism و نوعی اعتقاد به جهان‌وطنی internutionulism است که می‌توان رد تاریخی و واقعی آن را هزار سال قبل در اندیشه‌های امام علی (ع) گرفت چیزی که بعدها آیین و شعار جهانی و بین‌المللی نیز گردید. این معنی که انسان‌ها به خاطر انسان بودن حرمت دارند زیرا یا برادر دینی‌اند یا برادر انسانی، شعاری است که در قالب آزادی - برابری - برادری (Liberte - Egalite - Fraternite) در انقلاب فرانسه و جنبش‌های دیگر نمود یافت. باین حال این موارد اگرچه اصول کلی اندیشه امام علی () است و همه افراد را شامل می‌شود اما ضرورت آن برای کارگزاران نظام و حاکمیت بیشتر و شایسته‌تر بیشتر است.

۲ - دوست داشتنی‌ترین چیزها^۲

در نامه به مالک اشتر

ولیکن احب الامور اليك اوسطها في الحق و اعظمها في العدل واجمعها ارضى الرعيه فان سخط العامة يجحف رضى الخاصة و ان سخط الخاصة يغفر مع رضى العامة.

۱- نامه ۵۳ - صفحه ۵۵۱

۲- نامه ۵۳ - صفحه ۵۵۲

دوست داشتنی‌ترین چیزها نزد تو در حق میانه‌ترین و در عدل فراگیرترین و در جلب خشنودی مردم گسترده‌ترین باشد که همانا خشم عمومی مردم خشنودی خواص را از بین می‌برد؛ اما خشم خواص را خشنودی همگان بی‌اثر می‌کند. پذیرش اندیشه اکثریت بر رأی اقلیت امروز روشنفکر مآبانه به حساب می‌آید و به عنوان مبنای دموکراسی و جمهوریت در سیستم‌های حکومتی معرفی شده است و در برابر آن اقلیت قرار دارند. خواص بیانگر گروهی کوچک از افراد است که به عنوان اقلیت معمولاً خود را از دیگران برتر دانسته و افزون طلب هستند. بنابراین امام با یادآوری حق و عدالت به عنوان دوست داشتنی‌ترین چیزها نزد خدا و مردم، رعایت آنرا موجب خوشنودی عمومی دانسته و بر رضایت‌مندی مردم (اکثریت) در برابر اقلیت (خواص) تاکید دارد چراکه خشم عمومی خود موجب خشم خواص است اما خشم خواص در صورت خوشنودی عمومی بی‌اثر می‌شود. نتیجه این بحث در مباحث فلسفی و سیاسی امروز همانا توجه به اکثریت جامعه و به دست آوردن مشروعیت مردمی است که اصل پایداری حاکمیت‌های سیاسی نیز می‌باشد.

۳ - جایگاه نیکوکار و بدکار^۱

وَلَا يَكُونَنَّ الْمُحْسِنُ وَالْمُسِيءُ عِنْدَكَ بِمَنْزِلَةِ سَوَاءٍ، فَإِنَّ فِي ذَلِكَ تَرْهِيْدًا لِأَهْلِ الْإِحْسَانِ فِي الْإِحْسَانِ، وَتَدْرِيْبًا لِأَهْلِ الْأَسَاءَةِ عَلَى الْأَسَاءَةِ، وَالْأَزْمُ كُلُّهُ مِنْهُمْ مَا أَلْزَمَ نَفْسَهُ.

هرگز نیکوکار و بدکار در نظرت یکسان نباشند زیرا نیکوکاران در نیکوکاری بی‌رغبت و بدکاران در بدکاری تشویق می‌گردند. پس هر کدام از آنان را بر اساس کردارشان پاداش ده.

مفهوم خوب و بد یا بدکار و نیکوکار در مکاتب الهی از گذشته تاکنون در مقابل هم قرار داشته (خیر و شر) و عدالت الهی و انصاف بشری جایگاه این هر دو را در برخورداری از پاداش و کیفر متفاوت نموده است. لذا در قرآن یکی را دارای ثواب و دیگری را برخورد از عقاب دانسته است. (فمن يعمل مثقال ذرة خيراً يره و من يعمل مثقال ذرة شراً يره، زلزله - ۷ و ۸) در نظامات اداری و سیاسی امروز هم اصل تشویق و پاداش Reward مبنای هرگونه پرداخت مالی و موجب حقوق اجتماعی و رشد سیاسی و مدیریتی است.

لذا به صورت شایسته‌ای در سیستم عدالت‌خواهی و حق‌طلبی امام علی (ع) مورد توجه قرار گرفته و بر رعایت آن به عوامل و کارگزاران حکومت توصیه می‌کند که اجرای آن خود موجب رغبت و دلگرمی دیگران است. این موضوع در علوم روان‌شناسی و جامعه‌شناسی از نگاه کاملاً علمی بررسی و بر اجرای آن تأکید شده است.

در نامه به یکی از فرمانداران به نام عبیدالله برادر ابن عباس^۱

فَقَدْ بَلَغَنِي عَنْكَ أَمْرٌ إِنْ كُنْتَ فَعَلْتَهُ فَقَدْ أَسْخَطْتَ رَبَّكَ وَ عَصَيْتَ إِمَامَكَ وَ أَخْزَيْتَ أَمَانَتَكَ؛ بَلَغَنِي أَنَّكَ جَرَدْتَ الْأَرْضَ، فَأَخَذْتَ مَا تَحْتَ قَدَمَيْكَ وَ أَكَلْتَ مَا تَحْتَ يَدَيْكَ. فَارْفَعْ إِلَيَّ حِسَابَكَ، وَ اعْلَمْ أَنَّ حِسَابَ اللَّهِ أَعْظَمُ مِنْ حِسَابِ النَّاسِ؛

از تو خبری رسیده که اگر چنان کرده باشی پروردگار خود را به خشم آورده و امام خود را نافرمانی و در امانت خود خیانت کرده‌ای. به من خبر رسیده که کشت زمین‌ها را برداشته و آنچه را که می‌توانستی گرفته و آنچه در اختیار داشتی به خیانت خورده‌ای، پس هر چه زودتر حساب اموال را برای من بفرست و بدان که حسابرسی خداوند از حسابرسی مردم سخت‌تر است.

امانت‌داری و حفظ و حراست از مسئولیت‌های محوله در هر سطح و اندازه‌ای نسبت به حقوق و وظایف سه‌گانه؛ خدا - خود - دیگران به‌نوعی امانت‌داری محسوب می‌شود که همه در مقابل آن موظف به اداء تکلیف‌اند. نگهداری و بازگرداندن امانات از نشانه‌های مسلمانی است چنانکه در قرآن آمده است؛ (و الذین هم لا مانعهم و عهد هم راعون، مؤمنون - ۸) خیانت در امانت که همانا مسئولیت اداره امور بندگان خداست موجب خشم خدا گردیده و از نگاه امام علی (ع) قابل‌گذشت نیست. محاسبه اقدامات در برابر مسئولیت‌ها روش مدیریتی پذیرفته شده‌ای است لذا آن حضرت ضمن توصیه کارگزاران خود به حق‌جویی - عدالت محوری - مردم‌گرایی، بسیار در این امر محاسبه رفتار و کردار کارگزاران حکومت حساس و سخت‌گیر بودند. آن‌گونه که خیانت‌کاری و پایمال کردن حقوق انسان‌ها را عامل هلاکت بر می‌شمارد (نامه ۷۹ صفحه ۵۶۹).

محاسبه فایده و زیان اقدامات ناشی از برنامه‌ریزی و مدیریت منطقی و حقوقی است و تبعیت منافع فرد از منابع سازمانی از اصول مدیریت است. لذا این موضوع پذیرفته شده‌ای است که مدیران در قبال جایگاه خود چونان همه افراد جوابگوی مسئولیت و اقدامات بوده و حسابرسی شوند. همان چیزی که در حقوق بین‌الملل به‌عنوان اصل پاسخگویی افراد مسئول به تصویب رسیده است.

۵ - اعتدال و میانه‌روی در رفتار

در نامه به عمر بن ابی سلمه ارجبی حاکم فارس^۲

قَالَ بَسْ لَهُمْ جِلْبَابًا مِنَ اللَّيْنِ تَشْوِبُهُ بِطَرَفٍ مِنَ الشَّدَّةِ، وَ دَاوِلْ لَهُمْ بَيْنَ الْقَسْوَةِ وَ الرَّأْفَةِ، وَ امْرُجْ لَهُمْ بَيْنَ النَّقَرِيبِ وَ الْإِدْنَاءِ وَ الْإِبْعَادِ وَ الْإِقْصَاءِ،

پس در رفتار با آنان نرمی و درشتی را به هم آمیز، رفتاری توأم با شدت و نرمش داشته باش، اعتدال و میانه‌روی را در نزدیک کردن مسلمانان یا دور کردن رعایت کن.

۱- نامه ۴ - صفحه ۵۳۱

۲- نامه ۱۹ - صفحه ۴۸۵

اعتدال نقطه تعادل و وضعیت میانه ای است بین تندی و کندی یا نرمی و زبری که از اندیشه و حکمت سرچشمه می‌گیرد. میانه‌روی و امت وسط بودن مسلمانان تعبیر قرآن است چنانچه بیان گردیده (و کذالک جعلناکم امت وسطاً، بقره - ۱۴۳) نسخه حکومتی امام علی (ع) در تدبیر و اداره امور همین اعتدال و میانه روی است که در راستای اجرای اصل عدالت برای کارگزاران حکومت اسلامی معرفی می‌نماید. همان که از گذشته تا به امروز بشر به دنبال آن بوده اما بیشتر با فراط و تفریط مواجه شده است. امام درجایی دیگر فرموده است؛ (الشمال و اليمين مضله و الطريق الوسطی هی الجاده - خطبه ۱۶) بی‌شک اعتدال و میانه‌روی دارای مرزی است که رسیدن به آن در به هم آمیختن نرمی و درشتی و رعایت جایگاه و کاربرد این دو در جای خود می‌باشد که به قول مولانا؛ درشتی و نرمی به هم در به است.

۶ - نرم خویی و فروتنی

در نامه به محمد ابن ابی بکر فرماندار مصر^۱

فاحفض لهم جناحک و الن لهم جانبک و ابسط لهم وجهک و آس بينهم فی اللحظة و النظرة حتی لا یطمع العظما فی حیفک لهم و لا یبأس الضغما من عدلک علیهم.
با مردم فروتن باش، نرمخو و مهربان باش، گشاده‌رو و خندان باش، در نگاهت و در نیم‌نگاه خیره شدن به مردم به تساوی رفتار کم تا بزرگان در ستمکاری تو طمع نکنند و ناتوان‌ها در عدالت تو مأیوس نگردند.

سوره الم نشرح را سوره مدیریت در قرآن دانسته‌اند که در شأن حضرت رسول نازل شده است. خداوند علت گردآمدن مسلمانان پیرامون رسولش را نرم‌خویی و خوش‌خلقی می‌داند و می‌فرماید؛ (فبما رحمت من الله لنت لهم و لو کنت فظاً غلیظ القلب لا نفضوا من حولک، آل عمران - ۱۵۹) پیامبر اسلام اصلاً هدف از اصل بعثت خود را مکارم اخلاق بیان می‌دارد. (انی بعثت لاتمم مکارم الاخلاق) شاخص‌های اخلاقی مثل نرم‌خویی و مهربانی اکسیر حکمرانی و مدیریت به حساب می‌آیند چرا که دوام و قوام حکومت و رضایت‌مندی مردم در نحوه برخورد و نوع رفتار حاکمان از لحاظ تعامل با مردم نهفته است و امروزه به‌عنوان دیسپلین دولت‌ها و دیپلماسی نظامات سیاسی شناخته شده‌اند^۲ ما رعایت این مسائل حتی در تساوی نگاه به افراد دارای نکته ظریفی است که امام آن را به مراقبت از طمع کردن ستمکاران و مأیوس شدن مردم از عدالت معنی کرده است. چنین حکمتی را باید در سیاست و حکومت امام جست که قرن‌ها پیش این‌گونه در احکام انتصاب فرمانداران خود حتی تساوی در نگاه کردن را موردتوجه قرار داده است.

۷ - گذشت و مدارا

در نامه به حارث همدانی از یاران امام علی (ع) و فقیهی بزرگ^۳

وَ اِكْظِمِ الْغَيْظَ وَ تَجَاوَزْ عِنْدَ الْمَقْدَرَةِ وَ اُحْلَمْ عِنْدَ الْغَضَبِ وَ اِصْفَحْ مَعَ الدَّوْلَةِ تَكُنْ لَكَ الْعَاقِبَةُ وَ اِسْتَصْلِحْ كُلَّ نِعْمَةٍ اَنْعَمَهَا اللهُ عَلَيْكَ

۱- نامه ۲۷ - صفحه ۴۹۳

۲- نامه ۶۹ - صفحه ۵۹۱

خشم را فرو نشان و به هنگام قدرت ببخش و به هنگام خشم فروتن باش و در حکومت مدارا کن تا آینده خوبی داشته باشی
نعمت هایی که خدا به تو بخشید نیکو دار و نعمت هایی که در اختیار داری تباه مکن.

آن گونه که در روایات به نقل از امام صادق وارد شده، خشم کلید بدیهاست (الغضب مفتاح کل شر) و در قرآن نیز بر فرو بردن خشم (کظم غیض) تأکید شده است. در مقابل صبر کلید خوبی هاست که در قرآن بدان توصیه شده است (تواصو بالصبر، عصر - ۳) این صفت را می توان به بهترین وجه در اخلاق نبوی و آئین اسلامی جستجو کرد که حضرت حق، پیامبر اسلام را رحمت للعالمین خواند (و ما ارسلناک الا رحمت للعالمین، انبیاء - ۱۰۷) امام علی (ع) با توصیه به مدارا به عنوان حافظ نعمت الهی عدم توجه به آن را موجب تباه شدن نعمت دانسته و آینده خوب را در گرو رعایت آن می خواند. حافظ شیرازی در همین راستا سروده است؛

آسایش دو گیتی تفسیر این دو حرف است با دوستان مروت با دشمنان مدارا

۸ - تقوا و خودسازی:

در نامه به فرزندش امام حسن^۱

فَإِنِّي أَوْصِيكَ بِتَقْوَى اللَّهِ أَيُّ بُنْيٍّ وَ لُزُومِ أَمْرِهِ وَ عِمَارَةِ قَلْبِكَ بِذِكْرِهِ وَ الْإِعْتَصَامِ بِحَبْلِهِ، وَ أَيُّ سَبَبٍ أَوْثَقُ مِنْ سَبَبٍ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ اللَّهِ إِنْ أَنْتَ أَخَذْتَ بِهِ. أَحْيِ قَلْبَكَ بِالْمَوْعِظَةِ وَ أَمْنُهُ بِالزَّهَادَةِ وَ قُوَّةُ بِالْيَقِينِ وَ نَوْرُهُ بِالْحِكْمَةِ وَ دَلِّلْهُ بِذِكْرِ الْمَوْتِ

همانا تو را به ترس از خدا سفارش می کنم که پیوسته در فرمان او باشی و دلت را با یاد خدا زنده کنی و به ریسمان او چنگ زنی که وسیله ای مطمئن تر از رابطه تو با خداست. اگر سر رشته آن را در دست گیری دلت را با اندرز نیکو زنده کن. هوای نفس را با بی اعتنائی به حرام بمیران. جان را با یقین نیرومند کن و با نور حکمت روشنایی بخش و با یاد مرگ آرام کن.

تقوا به معنای پرهیزگاری و خودداری تنها معیاری است که خداوند آن را به عنوان عامل امتیاز برخی بر بعضی دیگر دانسته است. (ان اکر مکم عند الله اتقیکم، حجرات - ۱۴) در اندیشه امام نظم در امور و تقوای بر نفس دو اصل محکمی است که رعایت آن برای فرد و اجتماع ضروری است.

لذا همواره آن را به عنوان کلیدواژه در گفتار تکرار می نماید. (اوصیکم بتقوی الله و نظم امرکم، نامه ۴۷) تقوا همان عامل نگهدارنده در زندگی مادی و معنوی است که در کلام امام وسیله ای مطمئن برای ارتباط با خداوند به حساب می آید. به خاطر آنکه دارنده آن را در نتیجه رسیدن به یقین از لغزش های دنیوی در امان داشته و عاقبت او را ختم به خیر می نماید. خداترسی حالت دیگری است که صاحبان خرد را در مقابل عوامل و ابتلائات دنیا مصون داشته و به انسان صیانت نفس می بخشد. هم چنین است بی اعتنائی به مال حرام و یاد مرگ بودن که در پرتو خودسازی به دست می آید.

۹ - ضرورت آخرت گرایی حاکمان

در نامه به ابن عباس فرماندار بصره^۱

فلیکن سرورک بما نلت من آخرتک ولیکن اسفک علی ما فاتک منها و ما نلت من دنیاک فلا تكثر به فرحا و مافاتک منها فلا تأس علیہ جزعا، ولیکن همک فیما بعد الموت. خوشحالی تو از چیزی باشد که در آخرت برای تو مفید است و آنده تو برای از دست دادن چیزی از آخرت باشد. آنچه از دنیا به دست می آوری تو را خوشنود نسازد. آنچه در دنیا از دست می دهی زاری کنان تأسف مخور و همت خویش را به دنیای پس از مرگ واگذار.

در روایات اسلامی به نقل از پیامبر اسلام آمده است که الدنیا مزرعة الاخره این به خاطر آن است که یاد مرگ و اعتقاد به جهانی دیگر اثرات خوبی در روان انسان داشته و منجر به پاکی اعمال او می شود. این وضعیت قطعاً برای مدیران و کسانی که سردمدار امور بوده و مقدرات جامعه به دست آنان است از جنبه صیانت بخشی و پاکدستی مؤثرتر است، به همین جهت در ادبیات سیاسی و حکومتی آن حضرت به عنوان یک معیار؛ خودسازی و عزت نفس، آخرت گرایی و توجه به معاد از اهمیت زیادی برخوردار است و بارها مؤمنان و شیعیان را بدان سفارش فرموده است. در این مکتب، سرمایه اصلی و خوبی های واقعی مربوط به آن جهان و عالم دیگر است چرا که الدنیا دارا المفرولا دار المقر. همه چیزهای این دنیا ارزش آن را ندارد که انسان به خاطر داشتن یا نداشتن آن خوشحال یا ناراحت شود. آن گونه که در قرآن آمده است، (لکیلا تأسو علی ما فاتکم و لا تفرحوا بما آتیکم، حدید - ۲۳)

ج - وظایف و مسئولیت های مدیران و کارگزاران

۱ - گشاده روی در دیدار با مردم

در نامه به عبدالله بن عباس فرماندار بصره^۲

سَعِ النَّاسَ بِوَجْهِكَ وَ مَجْلِسِكَ وَ حُكْمِكَ؛ وَ إِيَّاكَ وَ الْغَضَبَ، فَإِنَّهُ طَيْرَةٌ مِنَ الشَّيْطَانِ؛

با مردم به هنگام دیدار و در مجالس رسمی و در مقام داور، گشاده رو باش و از خشم پرهیز که سبک مغزی و تحریک شیطان است.

گشاده رویی و انبساط درونی در مواجهه به افراد به ویژه برای مسئولان از جنبه های روحی و روانی و در عرف اداری و نزاکت بین المللی از هر لحاظ قابل توجه بوده و رعایت آن از آداب و الزامات دیپلماتیک است که در عرف اجتماعی و سیاسی نشانه منزلت انسانی و احترام به آداب و ارزش های پذیرفته شده می باشد. یک مدیر چون پیوسته در حال دیدار و تعامل با افراد می باشد لازم است آداب اجتماعی را از لحاظ ظاهر مراعات نماید و متبسم و گشاده رو باشد. این

۱ - نامه ۲۲ - صفحه ۴۸۷

۲ - نامه ۷۶ - صفحه ۵۹۷

همان موضوعی است که امام در اینجا به فرماندار خود در جهت مقابله با خشم که آن را سبک مغزی و از شیطان می‌داند توصیه نموده است. ارزش این موضوع در مناسبات اداری و ارتباطات مدیریتی امروزه از گذشته بیشتر است.

۲- برقراری ارتباط نزدیک با مردم^۱

موعود الله لهم واجعل لذوي الحاجات منك قسما تفرغ لهم فيه شخصك و تجلس لهم مجلسا عاما فتتواضع فيه لله الذي خلقك و تفقد عنهم

بس بخشی از وقت خود را به کسانی اختصاص ده که به تو نیاز دارند تا شخصاً به امور آنان رسیدگی کنی و در مجلس عمومی با آنان نشین و در برابر خدایی که تو را آفریده فروتن باش و سربازان و یاران و نگهبانان خود را از سر راهشان دور کن تا سخنگوی آنان بدون اضطراب در سخن گفتن با تو گفتگو کند.

نزدیک بودن به مردم از الزامات نظام‌های دموکراتیک democratique و مردم‌سالار بوده و ارتباط نزدیک با ارباب رجوع برای شنیدن حرف‌ها و انتظارات آنان بدون فاصله از گذشته مطرح بوده است و امروز که نظام بروکراسی اداری و مکانیزه شدن فرایندها و ماشینی شدن کارها صورت پذیرفته، تکریم ارباب رجوع و ارتباط نزدیک با شهروندان یک استراتژی کلان است و شاخص سازمان‌های کارآمد و حکمرانی خوب به حساب می‌آید. این کار نتایج و مزایای زیادی دارد که بخشی از آن در کلام علی (ع) و بخش دیگر در کلام پیامبر اسلام نهفته است. امام در این جا بیشتر به این سخن پیامبر اشاره دارد که فرمودند: (لَنْ تَقْدَسَ أُمَّةٌ لَا يُوْخَذُ لِلضَّعِيفِ فِيهَا حَقُّهُ مِنَ الْقَوَى غَيْرِ مُتَتَعِعٍ). ملتی که حق ناتوانان را از زورمندان بی‌اضطراب و بهانه نگیرد رستگار نخواهد شد. این مفاهیم که امروزه در قاموس آزادی - حقوق بشر - دموکراسی مطرح است در عمق باور امام وجود داشته و رعایت آن را از شاخص‌های مدیریت و حاکمیت اسلامی شمرده شده است.

۳- اعمال حق برای همه^۲

وَأَلْزِمِ الْحَقَّ مَنْ لَزِمَهُ مِنَ الْقَرِيبِ وَالْبَعِيدِ، وَكُنْ فِي ذَلِكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا، وَإِقْعًا ذَلِكَ مِنْ قَرَابَتِكَ وَخَاصَّتِكَ حَيْثُ وَقَعَ،

حق را به صاحب حق، هر کس که باشد نزدیک یا دور پرداز. در این کار شکبیا باش و این شکبیایی را به حساب خدا بگذار، اگرچه اجرای حق مشکلاتی برای نزدیکان فراهم آورد.

در قرآن به حق توصیه شده است (تواصعوا بالحق، عصر ۳) اعطاء حق هر کسی به خودش آن گونه که در بیان امام آمده؛ (اعطاء کل ذی حق حقه، حکمت ۴۳۷) خود شعبه‌ای از اصل عدالت است که هر چیزی را باید در جایگاه خودش قرارداد؛ بنابراین گرچه این کار شاید برای افراد زیاده‌خواه نامطلوب بوده و خطراتی هم برای مجریان آن داشته باشد اما توصیه‌ای است که به‌عنوان یک وظیفه حکومتی، امام همواره آن را به مسئولان خود توصیه نموده است. حق اگرچه یکی از وسیع‌ترین مفاهیم است اما آن گونه که امام فرموده است افراد را باید با معیار حق شناخت نه حق را با

۱- نامه ۵۳ - صفحه ۵۶۵

۲- نامه ۵۳ - صفحه ۵۶۷

معیار افراد. در اندیشه امام برخلاف مکاتب شرق و غرب انسان‌ها به دلیل انسان بودنشان صاحب حق‌اند و اداء و اعمال حق، ارتباطی با امتیازات و مرزهای خودساخته افراد ندارد.

۴ - عدالت و محبت مردم^۱

وَإِنَّ أَفْضَلَ فُرَّةٍ عَيْنِ الْوَلَاةِ اسْتِقَامَةُ الْعَدْلِ فِي الْبِلَادِ، وَظُهُورُ مَوَدَّةِ الرَّعِيَّةِ؛ وَإِنَّهُ لَا تَظْهَرُ مَوَدَّتُهُمْ إِلَّا بِسَلَامَةِ صُدُورِهِمْ

همانا برترین روشنی چشم زمامداران برقراری عدل در شهرها و آشکار شدن محبت مردم نسبت به رهبر است که محبت دل‌های رعیت جز با پاکی قلب‌ها پدید نمی‌آید.

عدالت به‌عنوان یکی از معیارهای اصلی امام علی (ع) از توصیه‌های قرآنی است که آن را در کنار تدبیر از شرایط رهبری دانسته‌اند، چنانچه در قرآن آمده است اعدلوا هو اقرب لتقوی (مائده- ۸) امام هیچ ریاستی را همچون عدالت در سیاست نمی‌داند چنانچه فرموده است؛ (لا ریاست کالعدل فی السیاسة، حکمت ۷۶۲۸) چرا که عدالت کارها را در جایگاه خودش قرار می‌دهد. آن‌گونه که در بیان رسای امام در تعریف عدالت آمده است؛ (العدل یضع الامور مواضعها، حکمت ۴۳۷)

رابطه ای دوطرفه بین اجرای عدالت و برانگیختن حس مودت و در نتیجه محبت و مهرورزی وجود دارد که هر دو طرف (حاکمان و مردمان) را به همدیگر نزدیک می‌نماید. این موضوع ضمن آنکه در اندیشه حکومتی اسلام یک اصل به حساب می‌آید، خود بیانگر یک نتیجه مهم برای تقویت جایگاه امام و رهبر جامعه است که باید در قلب‌های مردمی جست که نسبت به حاکم اسلامی مهر می‌ورزند. موضوع گمشته‌ای که امروزه در روابط قدرت و مردم جای آن در نظامات سیاسی خالی است، لذا سعی می‌شود با معیارهای قانونی و به‌صورت مصنوعی آن را جایگزین نمایند.

۵ - هشدار از امتیاز خواهی^۲

وَإِيَّاكَ وَالْإِسْنَتَارَ بِمَا النَّاسُ فِيهِ أَسْوَةٌ، وَالنَّعَابِي عَمَّا تُغْنَى بِهِ مِمَّا قَدْ وَضَحَ لِلْعُيُونِ، فَإِنَّهُ مَأْخُودٌ مِنْكَ لِغَيْرِكَ، مبادا هر گز از آنچه که با مردم مساوی هستی امتیازی بخواهی و از اموری که بر همه روشن است غفلت کنی، زیرا به هر حال نسبت به آن در برابر مردم مسئولی.

امتیازخواهی نوعی ویژه خواری و رانت Rent است که آنرا بهره مالکانه بیشتر طلب کردن بدون زحمت تعریف نموده‌اند، لذا برخلاف وجدان بشری و مغایر قانون و مقررات می‌باشد. رانت یکی از عوامل اصلی فساد مالی و اقتصادی است و این فساد به دنبال خود تباهی سیاسی و حاکمیت را در پی دارد و در مباحث سیاسی، اقتصادی کشورها به‌عنوان یک آسیب جدی عنوان گردیده است که همان‌گونه که در قرآن آمده از افزون‌طلبی برخی افراد بدون توجه به ضوابط و مقررات نشأت می‌گیرد (ظهر الفساد فی البروالبحر بما کسبت عیدی الناس، روم- ۴۱). این موضوع به‌صورت پررنگی در ادبیات حکومت دارای امام مطرح بوده و آن حضرت حتی در برابر افرادی مثل طلحه و ذبیر که

۱- نامه ۵۳ - صفحه ۵۵۷

۲- نامه ۵۳ - صفحه ۵۶۹

خویشاوندی و سابقه زیادی در دوستی و مسلمانی داشتند و حتی در برخورد با برادرش عقیل حاضر نشد از حق و حقیقت عدول نماید. لذا علی (ع) و کارگزارانش را بایستی از این لحاظ، مردمی‌ترین و پاک‌ترین سردمداران جامعه انسانی دانست که تاکنون تاریخ به خود دیده است. امتیازخواهی در این جا هر دوطبقه حاکم و افراد را در بر می‌گیرد که در اندیشه امام باطل است.

۶ - خیرخواهی و نوع دوستی

در نامه به فرزندش امام حسن^۱

يَا بَنِي اجْعَلْ نَفْسَكَ مِيزَانًا فِيمَا بَيْنَكَ وَ بَيْنَ غَيْرِكَ، فَاحْبِبْ لِغَيْرِكَ مَا تُحِبُّ لِنَفْسِكَ، وَ اكْرَهُ لَهُ مَا تَكْرَهُ لِنَفْسِكَ، وَلَا تَظْلِمْ كَمَا لَا تُحِبُّ أَنْ تُظْلَمَ، وَ أَحْسِنْ كَمَا تُحِبُّ أَنْ يُحْسَنَ إِلَيْكَ، وَ اسْتَفِيحْ مِنْ نَفْسِكَ مَا تَسْتَفِيحُ مِنْ غَيْرِكَ .

ای پسر من نفس خود را میزان میان خود و دیگران قرار داده، پس آنچه را که برای خود دوست داری برای دیگران نیز دوست بدار و آنچه را که برای خود نمی‌پسندی برای دیگران مپسند. ستم روا مدار آن‌گونه که دوست نداری به تو ستم شود نیکوکار باش آن‌گونه که دوست داری به تو نیکی کنند.

امام در این نامه به فرزندانش دو گوهر ناب دوستی و خوبی را این‌گونه به افراد بشر معرفی می‌نماید تا هرکسی برای خوبی کردن و دوستی نمودن آنچه را برای خود می‌پسندد در حق دیگران هم رعایت نماید. این اوج خواسته انسانی از لحاظ میزان نفس و منطق فلسفی است که هر انسانی چون خویشتن خود را می‌خواهد به‌ناچار باید برای دیگری هم همین را بخواهد. این موضوع اگر در میان افراد رعایت شود و هرکسی دیگر خواهی را در خویشتن خواهی خود ببیند، بسیاری از خودخواهی‌ها و نفسانیت‌ها رفع می‌شود. نوع دوستی Altruism که در ادبیات اسلامی آن را ایثار معنی کرده‌اند نقطه اوج اخلاق و رأس تربیت اسلامی است که به‌عنوان خیرخواهی، ارزش ایثار و فدا شدن برای آن را دارد.

۷ - نظارت و بازرسی

در نامه به مالک اشتر^۲

وَابْعَثِ الْعِيُونَ مِنْ أَهْلِ الصَّدَقِ وَالْوَفَاءِ عَلَى هَمِّ فَنِ نَقَاهِدِكَ فِي السَّرِّ لَامُورِهِمْ حُدُودَ لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ وَالرَّعِيَّةِ.

و قرار بده از اهل راستی و فاء بر آنان به عنوان ناظرانی تا مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آنان سبب امانتداری و مهربانی با رعیت شود.

اعمال کنترل و نظارت بر اجرای برنامه‌ها و اقدامات مدیران و کارکنان از طریق راستی آزمایی - ارزیابی عملکرد برای اطمینان از درست انجام شدن اقدامات به‌منظور افزایش رضایت‌مندی مردم در انجام وظیفه از توجهات آن حضرت است که امروزه در زمره وظایف پنج‌گانه مدیریتی (طرح‌ریزی - سازمان‌دهی - فرماندهی - هماهنگی - کنترل) در

۱- نامه ۳۱ - صفحه ۵۱۱

۲- نامه ۵۳ - صفحه ۵۶۱

قالب نظارت supervision و بازرسی inspection بیان شده و سوای از آن دستگاه‌هایی برای این امر به وجود آمده‌اند که می‌توان از طریق به‌کارگیری افراد با ویژگی‌هایی نظیر صداقت و وفاداری که آن حضرت بیان نموده در جهت تحقق اهداف سازمانی از این طریق اطمینان حاصل کرد. باوجود مفاهیم نظارت در قرآن و روایات اسلامی باید گفت امروزه نظارت و بازرسی از جایگاه مهمی در مباحث اثربخشی - بهره‌وری - کارآمدی در سیستم‌های اداری و اجرایی برخوردار است و به‌عنوان عامل تأثیرگذار در سالم‌سازی امور و مبارزه با فساد نیز تلقی می‌شود. امام علاوه بر نظارت مستقیم بر اعمال کارگزاران حکومت، افرادی را نیز برای این کار تعیین نموده بود که گزارش‌های لازم را برای اطلاع و اتخاذ تصمیمات لازم به آن حضرت می‌رساندند.

۸ - پاسداشت بیت‌المال

در نامه به اشعث الن قیس فرماندار آذربایجان^۱

و ان عملک لیس لک بطعمة و لکنه فی عنقک امانة و انت مسترعی لمن قومک لیس لک ان نقمات فی رعیة و لا تخاطر الا بوثیقة و فی یدیک من مال الله و انت من خزأنه.

همانا پست فرمانداری برای تو وسیله آب و نان نبوده بلکه امانتی در گردن توست. باید از فرمانده و امام خود اطاعت کنی - تو حق نداری نسبت به رعیت استبداد ورزی و بدون دستور به کار مهمی اقدام نمایی. در دست تو اموالی از ثروت‌های خدای بزرگ و عزیز است.

پاسداری از اموال و امکانات عمومی که مربوط به همه آحاد مردم است یکی از مسئولیت‌های بنیادین کارگزاران است که به خاطر آن دولت اسلامی استقرار یافته است. به همین جهت مسئولیت‌ها در حقیقت امانتی است برای حفظ و نگهداری اموال و منافع عمومی، غیر از این وجود حکومت خود نوعی استبداد در حق مردم و سرمایه‌های ملی است که به تعبیر امام از ثروت‌های خداوند بزرگ بوده و در این مسیر فرمانداران بایستی مطابق امام خود بیت‌المال مسلمین را حراست نمایند. حفظ بیت‌المال از اندیشه‌های کلیدی امام علی (ع) در حکومت‌داری می‌باشد و امروزه نیز در قانون موضوعه و حقوقی سیاسی و بین‌المللی، قوانین مشخصی در حراست از آن پیش بینی شده است. در سرتاسر دوران امامت و حکومت آن حضرت، روایت‌های زیادی از نحوه دقت و رعایت عدالت در حفظ و نگهداشت از بیت‌المال مسلمین از طرف خود، خانواده کارگزاران وجود دارد که تاریخ نشانی از آن در دیگر حکومت‌ها و رهبران اسلامی و غیر اسلامی سراغ ندارد. آنچه در قرآن و روایات اسلامی در این باره مهم است، الزام افراد و حکومت‌ها به حفظ کامل اموال و حقوق فرد و جامعه است که هر دو در حکومت اسلامی محترم و محفوظ است و دست‌اندازی به آن در این دنیا مجازات و در دنیای دیگر موجب مکافات است.

۹ - توجه به طبقات محروم و مستضعف^۱

ثُمَّ اللَّهُ اللَّهُ فِي الطَّبَقَةِ السُّفْلَى مِنَ الَّذِينَ لَا حِيلَةَ لَهُمْ، مِنَ الْمَسَاكِينِ وَالْمُحْتَاجِينَ وَأَهْلِ الْبُؤْسَى وَالزَّمْنَى،
خدای را، خدای را در خصوص طبقات پایین و محروم جامعه که هیچ چاره‌ای ندارند و عبارتند از زمین گیران، نیازمندان،
گرفتاران و دردمندان.

مستضعف در قرآن مقابل مستکبر قرار داد، کسی که خود ضعیف مانده یا مستکبران او را ضعیف نگهداشته اند اما
خداوند آنان را بشارت و برکت داده است. (و اورثنا القوم الذين كانوا يستضعفون مشارق الارض و مغاربها التي
باركنا فيها، اعراف - ۱۳۷) در اندیشه امام علی (ع)، حکومت برای بر پا داشتن حق و ایفای حقوق مردم است و
گر نه آن گونه که خود فرمود ارزش آن از کفش کهنه و آب دهان بزی کمتر است.

اسلام برخلاف مکاتب دیگر رسیدگی به حال محرومان جامعه را وظیفه‌ای ویژه برای حاکمیت شمرده و آن‌ها را
ولی نعم و صاحبان اصلی حکومت می‌پندارد. مستضعفان آن گونه که در قرآن و روایات آمده چه ضعیف داشته و چه
ضعیف باشند نیازمند مساعدت و نوازش‌اند و این جدای از مباحث بعضاً افراطی یا انحرافی در مکاتب کمونیستی و
سوسیالیستی است که جامعه را به دو بخش سرمایه‌دار و مستضعف تقسیم نموده و حقوق بخش دیگر را پایمال
اندیشه‌های جاه‌طلبانه بخشی دیگر می‌نماید.

لذا امام علی (ع) متأثر از اندیشه اسلامی به حاکمان هشدار می‌دهد که خدای را در رسیدگی به حال این افراد
در نظر داشته و همان گونه که خود شبانه‌روز به یاد آنان بود به وظیفه خود عمل نمایند. در همین راستا امام خمینی
رهبر انقلاب اسلامی به تبعیت از آن حضرت حمایت از پابرهنگان و کوخ‌نشینان را طریق اسلامی و عبادتی بزرگ و
موجب خیر دنیا و آخرت می‌دانست و مستضعفان را ولی نعم و صاحبان اصلی انقلاب می‌نامید.

۱۰ - وسیله جلب اعتماد عمومی

در نامه به مالک اشتر^۲

و اعلم انّہ لیس شیء بادی الی حسن ظنّ را بر عیته من احسانه الیهم و تخفیفه المؤونات علیهم و ترک
استکراهه ایاهم علی ما لیس له قبلهم. فلیکن منک فی ذلک امر یجتمع لک به حسن الظن بر عیتک.

بدانکه هیچ وسیه ای برای جلب اعتماد والی به رعیت بهتر از نیکوکاری به مردم و تخفیف مالیات و عدم اجبار مردم به
کاری که دوست ندارند نمی‌باشد. پس در این راه آتقدر بکوش تا به وفاداری رعیت خوشبین شوی.

مالیات در عرف حقوقی، پرداختی است الزامی و بلاعوض لذا ملاحظه می‌شود که از گذشته به‌عنوان عامل نارضایتی
بر شانه‌های مردم سنگینی نموده و حاکمان و جامعه را در مقابل هم قرار می‌داده است. گر چه اعانه ملی از طریق
همیاری مردمی در پرداخت مالیات مشروع و قانونی بوده و پایه اصلی بودجه در بسیاری از کشورهای متمدن و
پیشرفته است، با این حال تخفیف مالیات امروزه هم در میان سیستم های مالی دنیا در جهت ارائه پاداش اجتماعی

۱- نامه ۵۳ - صفحه ۵۶۵

۲- نامه ۵۳ - صفحه ۵۵۵

به عنوان عامل افزایش رضایت مندی مردم به حساب می آید. چنانکه افزایش آن نیز آشوب ها و نارضایتی های گسترده در دنیا ایجاد نموده که اکنون شاهد گسترش آن می باشیم. دیگر اجبار حکومت در کاری است که مردم مایل بدان نیستند که این خود نقص کننده آزادی فردی و حق شهروندی است و در اسلام نهی شده است. لذا امام هوشمندانه آن را به عنوان راهی برای جلب اعتماد عمومی و برانگیختن حس وفاداری مردم به کارگزاران پیشنهاد می نماید.

۱۱ - رعایت امانت الهی

در نامه به مخف بن سلیم فرماندار اصفهان^۱

وَمَنْ اسْتَهَانَ بِالْأَمَانَةِ وَرَتَعَ فِي الْخِيَانَةِ وَلَمْ يُنْزِرْهُ نَفْسَهُ وَدِينَهُ عَنْهَا، فَقَدْ أَحَلَّ بِنَفْسِهِ الذُّلَّ وَالْخِزْيَ فِي الدُّنْيَا وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَذَلُّ وَأَحْزَى؛ وَإِنَّ أَعْظَمَ الْخِيَانَةِ خِيَانَةُ الْأُمَّةِ وَأَفْظَعَ الْعِشِّ عِشُّ الْأَيِّمَةِ؛

کسی که امانت الهی را خوار شمارد و دست به خیانت آلوده کند خود و دین خود را پاک نساخته و درهای خواری را در دنیا به روی خود گشوده و در قیامت خوارتر و رسواتر خواهد بود و همانا بزرگترین خیانت به ملت و رسواترین دغل کاری با امامان است.

امام علی (ع) مسئولیت ها را امانتی الهی می داند که برای اداره امور مردم و جامعه بر دوش افرادی گذاشته می شود، لذا حفظ و حراست از آن به عنوان باری گران و یک تکلیف است. به قول حافظ:

آسمان بار امانت نتوانست کشید قرعه فال بنام من دیوانه زدند

خیانت برای همه مرموم و برای کارگزاران حکومت زشت تر و موجب خواری در دنیا و آخرت است. در نگاه امام علی (ع) خیانت آن هم برای مسئولان حکومت قابل قبول نمی باشد و بدترین خیانت ها نادیده گرفتن امانت هایی است که در نزد مسئولین بودیعه نهاده شده است؛ امانت هایی که خود امانت الهی است. لذا در قرآن از طرف حق، برای واگذاری آن به اهلش دستور داده شده ان الله يأمرکم ان تود الامانات الی اهلها (نساء - ۵۸) خوار شمردن امانت الهی به نوعی خیانت در حق مردم و دغلکاری در حق امام است که در شأن مسئولان حکومت اسلامی نمی باشد.

د - راهبردهای نظامی، سیاسی

۱ - رعایت سلسله مراتب فرماندهی

نامه به دو تن از فرماندهان جنگ بنام های زیاد بین نصر و شریح بن هانی^۲

وَقَدْ أَمَرْتُ عَلَيْكُمَا وَ عَلَى مَنْ فِي حِيزِكُمَا مَالِكُ بْنُ الْحَارِثِ الْأَشْتَرِ، فَاسْمَعَا لَهُ وَأَطِيعَا وَ اجْعَلَاهُ دِرْعاً وَ مَجَنّاً، فَإِنَّهُ مِمَّنْ لَا يُخَافُ وَهُنَّهْ وَ لَا سَقَطَتْهُ، وَ لَا بَطُوهُ عَمَّا الْإِسْرَاعِ إِلَيْهِ أَحْزَمٌ، وَ لَا إِسْرَاعُهُ إِلَى مَا الْبُطْءُ عَنْهُ أَمْتَلٌ.

۱- نامه ۲۶ - صفحه ۴۹۱

۲- نامه ۱۳ - صفحه ۴۷۹

من مالک را بر شما و سپاهانی که تحت امر شما هستند فرماندهی دادم. گفته اور را بشنوید و از فرمان او اطاعت کنید. او را چون زره و سپر نگهبان خود برگزینید زیرا که مالک نه سستی به خروج داده و نه دچار لغزش می شود. نه در آنجا که شتاب لازم است کندی دارد و نه آنجا که کندی لازم است شتاب می گیرد.

سلسله مراتب به عنوان یک اصل حقوقی و مدیریت مبتنی با ساختار و هماهنگی برای دستیابی به هدف است که از نظم و انضباط و تقسیم کار نشأت گرفته و تابع نظام علت و معلول در عالم خلقت می باشد که امروزه هم در طراحی برنامه های استراتژیک نقش داشته و این امر فقط در امور نظامی خلاصه نمی شود. بیان امام مبنی بر اطاعت دیگر فرماندهان از مالک معرفی یک نمونه از مدیریت توانمند و کارآمدی است که در هر زمینه اعم از نظامی، سیاسی و ... دیگران بایستی در چارچوب سلسله مراتب مدیریت و فرماندهی برای دستیابی به اهداف از آن تبعیت و حمایت کنند. این موضوع البته در جنگ و در مقابله با دشمن از اهمیت خاصی برخوردار است و ویژگی هایی که امام ذکر نموده است آن را ایجاب می نماید اما سلسله مراتب به عنوان یک اصل از اصول ۱۴ گانه مدیریت علمی امروزه برای جلوگیری از سردرگمی - روبرو شدن با چالش - دور نشدن از اهداف از مراتب مدیریت است و دانشمندی مثل هنری فایول و ماکس وبر بر آن تأکید نمودند.

۲ - عدم پیش دستی در جنگ و رعایت اصول انسانی

دستور امام قبل از نبرد صفین^۱

لا تقاتلوه حتی یبدو و کم فانکم بحمدالله علی حجة و ترکم ایاهم حتی یبذوکو و حجة اخری لکم علی هم فاذا کانت الهزيمة باذن الله فلا تقتلوا مد برا و لا تصبو محورا.

با دشمن جنگ را آغاز نکنید تا آنها شروع کنند؛ زیرا بحمدالله حجت با شماست و آغازگر جنگ نبودنتان تا آن که دشمن به جنگ روی آورد حجت دیگر بر حقانیت شما خواهد بود. اگر به اذن خدا شکست خوردند و گریختند آن کسی را که پشت کرده نکشید و آن را که قدرت دفاع ندارد آسیب نزنید.

دو عنوان جنگ پیش دستانه Preemptive attak و جنگ پیش گیرانه Preventive attak که اولی مبتنی بر احتمال قریب الوقوع حمله مقابل بوده و دومی احتمال جنگ در آینده است امروزه در مکاتب غربی تئوریزه شده است، اما این روش ها از گذشته در میان جنگ های بشر وجود داشته است که عنوان سوم و جدیدتر آن هم حملات پیش نگرانه Anticipatoryattac است. با این حال جنگ در همه مکاتب و فرهنگ ها مطرود و مزموم است چرا که موجب نابودی انسان هاست، اما همین جنگ اگر برای دفع ظلم یا مقابله با فتنه و در راه خدا باشد تحت عنوان جهاد ابتدایی در اسلام مشروع بوده و عبادتی بزرگ به حساب آمده و دارای فضیلت است (فضل الله المجاهدین علی القاعدین، نسا - ۹۵)؛ اما قطعاً این با جنگ های ضد بشری امروزه قدرتمندان جهان که به خاطر امیال انسانی و شهوت حیوانی قدرت سستی و منافع مادی است متفاوت بوده و به جهاد ارتباطی ندارد.

موضوع دیگر رعایت جنبه‌های شرعی و عواطف انسانی در صورت وقوع جنگ است که اسلام علاوه بر افراد به طبیعت و حیوانات نیز آن را تعمیم داده است که بایستی از هر لحاظ محفوظ بمانند. لذا مشاهده می‌شود که امام علی (ع) رعایت این هر دو را به فرماندهان و رزمندگان اسلام توصیه می‌نماید و داستان‌های زیادی از مردانگی و گذشت حضرت در جنگ‌های صدر اسلام و پس از آن در تاریخ وجود دارد.

۳ - مقاومت و ایستادگی در برابر دشمن

در نامه به عثمان ابن حنیف^۱

والله لو تظاهرت العرب على قتالي لما وليت عنها، ولو أمكنت الفرص من رقابها لسارعت إليها، سأجهد في أن أظهر الأرض من هذا الشخص المعكوس، والجسم المركوس به خدا سوگند اگر اعراب در نبرد با من پشت به پشت یکدیگر بدهند از آن روی برنتابم و اگر فرصت داشته باشم به پیکار همه می‌شتابم و تلاش می‌کنم که زمین را از این شخص مسخ شده (معاویه) و این جسم کج اندیش پاک سازم.

مقاومت و ایستادگی از فرهنگ قرآنی است، چنانچه خداوند به پیامبر اسلام دستور می‌دهد؛ (فاستقم كما امرت و من تاب معك، هود- ۱۱۲) از لحاظ عقلی نیز استقامت ضامن موفقیت و پیروزی است. اوج این اندیشه رسیدن به مرحله ایستادگی در برابر دشمن است که باید آن را در قاموس اندیشه و عمل امام علی (ع) جست‌وجو نمود که هیچ‌گاه حاضر نشد به خاطر خدا و برای حق در مقابل دیگران تسلیم شود و تاریخ شاهد بود که جناح حق (علی (ع) در مقابل جناح باطل (معاویه) هیچ‌گاه سرخم نکرد گرچه این واقعیت رنگ خون گرفت و در آخر این علی (ع) بود که بهای آن را پرداخت و در محراب نماز به شهادت رسید.

اما به جناح باطل در طول تاریخ فهماند که حق آن قدر ارزش و قیمت دارد که بهترین امت محمد یعنی فرزندانش حسن و حسین هم برای آن هستی خود را فدا کنند. مقاومت و ایستادگی در برابر دشمن درس همیشگی علی (ع) به افراد بشر است چنانچه در نامه‌ای دیگر می‌نویسد: رأی من پیکار با پیمان‌شکنان است تا آنگاه که خدا را ملاقات کنم. نه فروتنی مردم و نه پراکندگی آنان مرا هراسناک نمی‌سازد. (نامه ۳۶ - صفحه ۵۲۷)

۴ - پرهیز از جنگ و خونریزی به ناحق^۲

إِيَّاكَ وَالْذَّمَّاءَ وَسَفْكَهَا بَغَيْرِ حِلِّهَا، فَإِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ أَدْنَى لِنِقْمَةٍ، وَلَا أَعْظَمَ لِنَبِيعَةٍ، وَلَا أُحَرِّى بِزَوَالِ نِعْمَةٍ، وَانْقِطَاعِ مِدَّةٍ، مِنْ سَفْكِ الدَّمَاءِ بَغَيْرِ حَقِّهَا.

از خونریزی پرهیزید و از خون ناحق پروا کن که هیچ چیز مانند خون ناحق کیفر الهی را نزدیک و مجازات را

بزرگ نمی‌کند و نابودی نعمت‌ها را سرعت نمی‌بخشد و زوال حکومت را نزدیک نمی‌گرداند.

امام همان‌گونه که خود گفته است در راه حق اگر همه از او پشت بگردانند از جنگ روی بر نمی‌گرداند و در مقابل انبوهی دشمن و پراکندگی یاران هراسی به دل راه نمی‌دهد (نامه ۳۶) با این حال تدبیر او در جنگ و خونریزی، سیاست پرهیز است که ظلمی بالاتر از ریختن خون انسان‌ها به ناحق نیست. چرا که در بیانی وسیع‌تر آن‌گونه که در

۱- نامه ۴۵ - صفحه ۵۳۹

۲- نامه ۵۳ - صفحه ۵۶۹

قرآن فرموده است کشتن یا احیاء یک نفر به معنای کشتن یا زنده کردن تمام انسان‌هاست. (من قتل نفساً او فساد فی الارض فکانما قتل الناس جميعاً و من احياها فکانما احيا الناس جميعاً، مائده- ۳۲) لذا ضمن یاد آوری کیفر الهی، نابودی نعمت و زوال سیاسی در نتیجه جنگ و خونریزی به ناحق، دستور می‌دهد که از آن پرهیز نمائید که علاوه بر جنبه حقوقی و کیفری از عوامل ضعف و سستی و نابودی دولت‌ها و حکومت‌هاست و زیان‌های سنگین مالی و انسانی آن قابل جبران نمی‌باشد.

۵ - نرمی و مدارا در برابر خودی

در نامه به مالک اشتر^۱

أَمَّا بَعْدُ، فَإِنَّكَ مِمَّنْ أَسْتَظْهَرُ بِهِ عَلَى إِقَامَةِ الدِّينِ وَ أَقْمَعُ بِهِ نَحْوَةَ الْأَثِيمِ وَ أَسُدُّ بِهِ لِهَآءِ النَّعْرِ الْمَخُوفِ. فَاسْتَعِنْ بِاللَّهِ عَلَى مَا أَهَمَّكَ، وَ اخْلُطِ الشَّدَّةَ بِضِغْتٍ مِنَ اللَّيْنِ، وَ ارْفُقْ مَا كَانَ الرِّفْقُ أَرْفَقَ وَ اعْتَزِمِ بِالشَّدَّةِ حِينَ لَا تُغْنِي عَنْكَ إِلَّا الشَّدَّةُ،

در مشکلات از خدا یاری جو و درشت‌خویی را با اندک نرمی پیامیز. در آنجا که مدارا کردن بهتر است مدارا کن و درجایی که جز با درشتی کار انجام نگیرد درشتی کن.

مواضع محکم و سخت گیرانه امام علی (ع) در برابر دشمنان در عین اعتدال، در رویی دیگر بیانگر نرمی و مدارا با دوستان است که بنا بر مصلحت و اقتضای تدبیر آمیخته با درشتی و نرمی در جای خود بکار می‌رود، این همان اصل حکمت و فرزاندگی است که جامع دانش - مصلحت و عقلانیت دانسته‌اند و در قرآن روش شناخته شده‌ای است؛ اما اهمیت این روش در اینجا ضرورت بکار گیری آن در برابر دوستان می‌باشد که لازم است بنا بر مصالح و اقتضائات آن گونه که شایسته مردم است در اداره امور جامعه به صورت توأمان بکار رود.

۶ - نصیحت و گفتگوی امام با دشمنان

در نامه به معاویه ابن ابوسفیان^۲

فَإِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ قَدْ جَعَلَ الدُّنْيَا لِمَا بَعْدَهَا، وَ ابْتَلَى فِيهَا أَهْلَهَا لِيَعْلَمَ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا، وَ لَسْنَا لِلدُّنْيَا خُلَفَا وَ لَا بِالسَّعْيِ فِيهَا أُمْرًا، وَ إِنَّمَا وَضِعْنَا فِيهَا لِنُبْتَلِيَ بِهَا؛ وَ قَدْ ابْتَلَانِي اللَّهُ بِكَ وَ ابْتَلَاكَ بِي، فَجَعَلَ أَحَدَنَا حُجَّةً عَلَى الْآخَرِ؛ خداوند سبحان دنیا را مقدمه برای ما بعد آخرت قرار داده و اهل دنیا را در بوته امتحان درآورده تا روشن شود کدامیک بهتر عمل می‌کنند ما برای دنیا آفریده نشده‌ایم و تنها برای کوشش و تلاش در آن مأمور گشته‌ایم ما در دنیا آمده‌ایم تا به وسیله آن آزمایش شویم خداوند مرا به تو و تو را به وسیله من در معرض امتحان درآورده و هر کدام ما را حجت بر دیگری ساخته اسلام از لحاظ کلی مذاکره و گفتگو با دشمنان را نهی نکرده است بلکه در جدال با دشمنان به دعوت آنان به سبیل حکمت و موعظه حسنه دعوت نموده است. (ادع الی سبیل ربک بالحکمة و الموعظة الحسنه و جاد لهم بالتی هی احسن، نحل - ۱۲۵) پیامبر اسلام در هدایت مشرکان آن گونه حرص داشت که خداوند رسولش را از آن منع می‌داشت. (لعلک باخع نفسک الا یكونو مؤمنین، شعرا - ۳) این موارد برای علی (ع) که او را سر حلقه جوانمردی و فتوت خوانده‌اند این گونه می‌نماید (لافتی الاعلی (ع) لاسیف الا ذوالفقار) که تا آخرین لحظات در عین ایستادگی در

۱- نامه ۴۶ - صفحه ۵۴۱

۲- رسولی محلاتی - سید هاشم - فضایل امیرالمؤمنین علی (ع) - صفحه ۱۳۳

مقابل معاویه خیر خواهانه برای او نامه می‌نویسد و در برخی جنگ‌ها از دور او را مورد خطاب قرار می‌دهد و به اسلام و عدالتش فر می‌خواند. این همان فلسفه اعتقادی امام علی (ع) است که دنیا را در امتحان و ابتلائات انسان در مقابل حکمت و محبت‌های خداوندی می‌داند. آن‌گونه که معاویه را اگرچه در راه ضلالت اما اگر گاهی به وجدان وارد سازد، در وصف علی (ع) سخن‌ها می‌گوید.

۷ - روش بسیج کردن مردم برای جهاد

در نامه به مردم کوفه در سال ۳۶ هجری^۱

إِنِّي أَذْكُرُ اللَّهَ مَنْ بَلَغَهُ كِتَابِي هَذَا لَمَّا نَفَرَ إِلَيَّ، فَإِنْ كُنْتُ مُحْسِنًا أَعَانَنِي وَ إِنْ كُنْتُ مُسِيئًا اسْتَعَنَنِي.

همانا من خدا را به یاد کسی می‌آورم که این نامه به دست او رسد تا به‌سوی من کوچ کند. اگر مرا نیکوکار یافت یاری کند و اگر گناه‌کار بودم مرا به‌حق بازگرداند.

بسیج نمودن، سامان دادن و هنر انجام امور از طریق مردم موضوعی است که در تعریف مدیریت و رهبری مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است (مرتضی مطهری - هارولد کونتز) اما این که فراخوانی برای چه و چگونه باشد، در مدیریت‌های ارزشی و الهی نمود می‌یابد. در اندیشه امام اصول سه‌گانه فراخوانی مردم برای یک امری به‌ویژه در جهاد همانا خدا - نیکوکاری - دوری از گناه است و نحوه آن‌هم نه با اجبار و زور بلکه از راه فراخوانی و دعوت است. این اصول در برابر اندیشه رهبران غیر الهی جای خود را به هوای نفس - قدرت‌طلبی - دنیاگرایی می‌دهد که حاضرند هزاران نفر را پای منافع و مطامع خود قربانی کنند که نمونه‌های معاصر آن جنگ‌های اول و دوم جهانی و منازعات گذشته و حال این روزگار است که انسان‌های بی‌گناه زیادی به خاطر سیاست‌ها و رویکردهای منفعت طلبانه محدودی در غرب و شرق عالم به نابودی و نیستی کشیده شده‌اند. یادآوری اینکه جاه‌طلبی افرادی در طول دو جنگ اول و دوم نزدیک به ۷۰ میلیون انسان را به کشتن داد با اندیشه امام علی (ع) که در عین حق‌گرایی حتی دعوت به جهاد را با دعوت مردم ابتدا از خود شروع می‌نماید در این دنیا چیزی غیرعادی است اما درس است برای رهبرانی که اندیشه الهی و انسانی دارند.